



پیمایش زمستانی خط الرأس دوبرار (زمستان ۸۹)

کوروش نگهبان و پویا کیوان

خط الرأس دوبرار، به طول تقریبی ۶۰ کیلومتر، در منتهی‌الیه ناحیه جنوبی منطقه فیروزکوه قرار گرفته. جناح جنوب آن شیب‌های تند ریزشی و تقریباً غیر قابل دسترس دارد. از سمت شمال یال‌ها و گرده‌های سنگی متعددی دارد که هر یک با زاویه‌های خاصی به خط الرأس متصل می‌شود. باد و کولاک، بهمن‌های بزرگ و کوچک، برف سنگین و نقاب‌های دوبرار معروفند. ما در قالب یک گروه دو نفره شامل کوروش نگهبان و پویا کیوان، از باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند، به یاد دوستانمان که در حادثه بهمن دیزین جان باختند، پیمایش کامل خط الرأس دوبرار را برنامه‌ریزی و در زمستان سال جاری (۱۳۸۹) اجرا کردیم.

روز اول (دوشنبه - ۲۵ بهمن)

صبح روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه از تهران حرکت کردیم؛ حدود یک کیلومتر و نیم بعد از گردنه امامزاده هاشم به سمت پلور؛ در جاده هراز، از اتوبوس پیاده شدیم و در ساعت ۶:۴۵ دقیقه صعود خود را آغاز کردیم. در یک روز آفتابی و با برف کوبی سنگین، پس از ۵ ساعت روی خط الرأس قرار گرفتیم و بعد از صعود قله بزم چال به ارتفاع ۳۵۰۰، مسیر را به سمت شرق ادامه دادیم و با گذر از کنار تابلویی یاد کوهنورد فقید، همایون محبوب (که به همراه زنده یاد فریدون اسماعیل‌زاده که قصد نخستین پیمایش زمستانی را داشتند و در آن محدوده در حادثه بهمن جان باخته بود) در خاطر ما زنده شد؛ در ادامه مسیر قله‌هایی چون میان‌رود و لاسم را صعود و ساعت ۱۶، قبل از قله چنگیزچال ۳، چادر خود را برپا نمودیم.

روز دوم (سه شنبه - ۲۶ بهمن)

صبح روز دوم پس از حرکت، به ترتیب قله‌های چنگیزچال ۳، ۲ و ۱ را صعود کردیم و ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه قله پروانه به ارتفاع ۴۱۰۰ را صعود کرده و بعد از فرود از قله پروانه، محل شب‌مانی دوم خود را آماده ساخته و چادر خود را برپا کردیم. امروز برای صعود قله ی چنگیز چال مجبور شدیم از طناب برای حمایت یکدیگر استفاده کنیم

روز سوم (چهارشنبه - ۲۷ بهمن)

به علت خرابی هوا تا ساعت ۱۲ به امید هوای بهتر در چادر صبر کردیم و در نهایت تصمیم گرفتیم در همان هوای خراب حرکت کنیم؛ خوشبختانه پس از گذشتن یک ساعت از پیمایش کمی از کولاک کم شد. تیم ما بعد از صعود قله انگمار ۲ (۴۱۵۰) و انگمار یک (۴۱۵۰)؛ چادر خود را ۵۰ متر پائین‌تر از قله انگار یک بر پا کرد. بعد از قله انگمار یک یال به سمت جنوب ادامه دارد که در صورت هوای خراب و دید کم احتمال اشتباه زیاد می‌باشد باید توجه داشت که کل خط الرأس شرقی غربی می باشد و بهترین محل برای زدن چادر یالهای جنوبی می‌باشد زیرا در سمت جنوب خط الرأس از شدت باد کاسته میشود

روز چهارم (پنج شنبه - ۲۸ بهمن)

صبح روز چهارم از ساعت ۷:۴۵ دقیقه آماده حرکت بودیم؛ اما هوای خراب و کولاک اجازه حرکت نمی‌داد. در نهایت با اینکه هنوز هوا خراب بود؛ ساعت ۹:۱۵ تصمیم به حرکت گرفتیم و در هوای بد و با دید کم از تیغه‌های بین انگمار و دوبرار، در حالی که یکدیگر را با طناب حمایت می‌کردیم، عبور نمودیم. حدود ساعت ۱۴ بر شدت خرابی هوا افزوده شد و ما تصمیم گرفتیم در محلی مناسب قبل از دوبرار غربی چادر زده و شب‌مانی کنیم.

روز پنجم (جمعه - ۲۹ بهمن)

صبح در هوای نیمه ابری و در بارش پراکنده پیمایش خود را آغاز کردیم؛ و در مسیر خود تیغه‌های متعددی را به صورت تعادلی رد کردیم؛ البته در حین عبور از آخرین تیغه‌های قبل از دوبرار یک فرود ۱۲ متری داشتیم که با جا گذاشتن یک بلوک کوچک فرود ایمنی را انجام دادیم به علت ریزشی بودن تیغه‌ها باید دقت زیادی در پیدا کردن محل کارگاه داشت. بعد از صعود دوبرار غربی (۴۲۰۰) و صعود دوبرار شرقی که بلندترین قله خط الرأس به ارتفاع ۴۲۵۰ متر است؛ مسیر خود را که در تمام طول آن، نقاب‌های متعدد و عظیمی و تیغه‌های سنگی خودنمایی می‌کرد؛ ادامه دادیم. با صعود یک قله فرعی مرتفع در ادامه خط الرأس؛ حوالی ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه چادر خود را در محلی مناسب؛ دقیقاً زیر آن قله فرعی برپا کردیم. قبل از تیغه‌های قله‌ی سوزچال در محلی بدون باد برپا کردیم.

روز ششم (شنبه - ۳۰ بهمن)

در هوای بسیار خوب حرکت خود را آغاز کردیم و بعد از عبور از گرده‌های سنگی و تیغه‌های متعدد و پر شیب قله سوزچال (۴۱۵۰) را در ساعت ۱۲ صعود کردیم. در ادامه مسیر، خط الرأس به سمت شمال کشیده می‌شود. و با شیبی کم برف و خاکی به گردنه‌ی سوزچال میرسیم از این به بعد شکل منطقه کاملاً عوض می‌شود و باد شدید در منطقه باعث یخ زدن برف میشود. بعد از عبور از این قسمت و گردنه سوزچال، که بادهای آن سهمگین است، قله رخس ۲ (۴۱۰۰) و رخس ۱ را صعود کردیم از رخس ۱ تا ابتدای تیغه‌های قره داغ به علت عرض زیاد خط الرأس و یخ زدگی برف با سرعت زیادی به مسیر ادامه می‌دهیم. سپس روی ابتدای تیغه‌ها قره داغ، یک فرود ۱۵ متری داشتیم و در ادامه، عبور از روی تیغه‌ها، به صورت تعادلی بود. ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه روی یک گردنه پهن، در محلی مناسب که توده عظیمی از برف ما را از باد در امان می‌داشت؛ چادر خود را برپا کردیم؛ چنین بود که شبی آرام را بدون درک شدت باد، گذرانیدیم. امشب به خاطر طی کردن مسافت زیادی و سرعت خوبمان جشنی دو نفره رو با شامی عالی تدارک دیدیم.

روز هفتم (یکشنبه - اسفند)

صبح پس از جمع کردن چادر و آغاز پیمایش؛ پس از ۳۰ دقیقه؛ به این نتیجه رسیدیم که شدت باد بسیار بیش از آن چیزی است که تصور می‌کردیم و ادامه مسیر با این باد میسر نیست (باد به اندازه ای بود که بلوک های برفی به اندازه کف دست را با خود به بالا پرتاب میکرد). بنابراین به محل شبمانی خود باز گشتیم و چادر خود را مجدداً برپا کردیم تا در جایی ایمن به انتظار کم شدن شدت باد بمانیم؛ ساعت حدود ۱۲ ظهر بود و ما همچنان زمان خود را از دست می‌دادیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم در همان شرایط و البته به صورت هم طنابی پیمایش خود را ادامه دهیم. در بین مسیر، یک فرود ۱۰ متری داشتیم و حوالی ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه، قبل از قله قره‌داغ ۱، روی تیغه‌ها کارگاه زده و چادر خود را به آن حمایت کردیم. خودمان نیز با هارنس در چادر در حمایت همان کارگاهی بودیم که چادر به آن متصل بود؛ چادری که بیش از یک سوم آن در هوا معلق بود و بر خلاف شب قبل؛ کاملاً در معرض کولاک قرار داشت.

روز هشتم (دوشنبه - ۱۲ اسفند)

بعد از صعود از قله قره‌داغ ۱ (۳۹۰۰) و درگیری با تیغه‌های معروف قره‌داغ، مانند روزهای گذشته، کار فنی و سنگنوردی داشتیم. با صعود به قله شاورس و قله قره‌داغ ۲ (۳۸۰۰) و با فرود از شیب تند برفی زیر قره‌داغ ۲ به سمت، قله اسب‌گرون (۳۸۵۰) و کل‌کشون (۳۶۵۰) و همچنین عبور از چند قله فرعی؛ حرکت کردیم قله ی کل‌کشون آخرین تیغه های خط الراس و پایان درگیری با سنگ میباشد. سپس ساعت ۱۸ چادر خود را بر یک گردنه خاکی - برفی بعد از تیغه ها برپا کردیم و بر اساس شنیده‌ها بر این خیال بودیم که حدود دو ساعت به پایان برنامه باقی مانده و شب را خوشحال و مسرور از پایان برنامه به صبح رساندیم.

روز نهم (سه شنبه - ۱۳ اسفند)

صبح در هوای عالی و با جمع کردن لوازم فنی در کوله‌ها، حرکت خود را آغاز کردیم؛ تیغه‌های انتهایی کل‌کشون را به صورت تعادلی پیش رو را رد و قله‌های فرعی را صعود کردیم؛ اما همچنان مسیر ادامه داشت و ما با این واقعیت مواجه شدیم که ادامه مسیر بیش از ۲ یا ۳ ساعت زمان نیاز دارد. حوالی ساعت ۱۲ هوا خراب، طول دید کم و برف کوبی مسیر بیشتر شد؛ به دلیل دید محدود، دو بار از مسیر خارج شدیم و با صرف انرژی فراوان، دوباره به مسیر بازگشتیم. حدود ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه جی‌پی‌اس ما ارتفاع ۳۲۰۰ را نشان می‌داد؛ و ما از یال بالای روستا، ابتدا صدای وسایل نقلیه را شنیدیم و بعد روستای کهنک را دیدیم و با شادمانی به سمت آن حرکت کردیم و ساعت ۱۷:۲۰ دقیقه وارد روستای کهنک شدیم و از روستا با ماشین یکی از اهالی روستا به سمت دلی‌چای و جاده فیروزکوه حرکت کردیم.

لوازم فنی مورد نیاز برنامه

لوازم شخصی مانند هارنس ابزار حمایت و فرود (هشت) کارابین پیچ _ اسلینگ و چند ابزار میانی مانند کیل و تریکم، تسمه ۱۲۰ و ۶۰ سانتی و چند متر طناب بلوک برای زدن کارگاه فرود – استفاده کردن از طناب ضد آب واجب میباشد بهتر است از دو طناب ۲۵ متری به قطر ۸ میل استفاده شود تا حمل کردن آن توسط هر دو نفر انجام شود

لازم به ذکر است؛ طبق اطلاعاتی که از پیمایش‌های زمستانی خط الرأس دوبرار در دسترس ما است؛ گروه دونفره ما؛ از باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند (کوروش نگهبان و پویا کیوان) دومین پیمایش کامل زمستانی این خط‌الرأس را به انجام رسانده است. پیش از این، یک گروه از کوهنوردان گروه آرش، به سرپرستی محمد نوری؛ برای نخستین بار خط‌الرأس دوبرار را در زمستان سال ۱۳۸۱ به صورت کامل پیمایش کرده‌اند و ما نسبت به دیگر پیمایش‌های احتمالی این خط‌الرأس در زمستان اطلاعی نداریم.

کوروش نگهبان

باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند



قبل از قله ی چنگیز چال



کمپ سوم



بعد از فرود از قره داغ ۱



دیواره های جنوبی دوبرار

